



خانه کاموا

بورس انواع کاموای ایرانی و ترک

مدیریت: صیدانلو- ۰۹۳۹۵۶۷۴۹۶۵

آدرس: گرگان، میدان مدرس، کوی طالقانی، طالقانی یکم، جنب آژانس کوهسار



پنجره عقبی

سینما

۴-۵»

گلشن گلستان

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

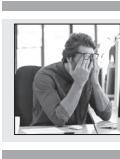
دوشنبه ۷ اسفند ماه ۱۴۰۲/ سال بیست و پنجم/ شماره ۲۷۴۳ / ۸صفحه / ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

زبان مادری

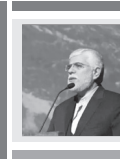
■ با مسوولیت سردبیر

دوم اسفند روز جهانی زبان مادری بود. دنیای امروز هر روز در حال حرکت به سوی وحدت و یگانگی است و این وحدت و یگانگی تحت تاثیر هژمونی اقتدار رسانه ای غرب و برنامه ریزی های فناورانه آنها هر روز سمت و سوی بیشتری از خارج از جغرافیای فرهنگی ایران به خود می گیرد. ما به خوبی میدانیم ایران عزیز ما جدای از جغرافیای امروزی صاحب یک جغرافیای فرهنگی است که به آن خراسان فرهنگی اطلاق می شود. خراسان فرهنگی بزرگی که از یک سو تا بلخ و هرات در افغانستان امروزی و در سوی دیگر تا ابیورد و دشت خاوران در ترکمنستان و از جانبی تا بخارا و سمرقند در تاجیکستان و از سویی تا قونیه و در جنوب جغرافیای امروز نیز تا سر حلات خلیج فارس ادامه داشته است. در چنین حوزه ی فرهنگی گسترده ای دهها زبان از فارس و ترک و عربی و بلوچ و سیستانی و ترکمنی و... صدها لهجه و شاید هزاران گویش که بخش بسیاری نیز ثبت نشده است در حال زاد و ولد کلمه و تولید فرهنگی هستند. منبع ارزشمند و معدن لازمالی که از تنوع و قدرت حوزه فرهنگی ایران بر می خیزد. این قدرت و قوت سند هویت، ریشه داری و قدمت اقوام حوزه فرهنگی ایران است و باید به آن توجه ویژه ای داشت. اگر امروز می توانیم مدعی باشیم که ما وارثان خراسان فرهنگی بزرگ هستیم و برای دنیای قرن بیست و یکم هم حرفهای بسیاری داریم، تنها بخاطر آن بوده است که اجداد خرمدند ما از روی عقل و دانایی به یکدیگر اجازه زندگی داده اند، ترک ها نخواستند اند کرها را در هم بگویند، فارس ها نخواستند اند قوم دیگر را حلف کنند، آنها میبایستند و ما نیز باید درک کنیم اقوام ایرانی و زبانها و لهجه هایشان بسان فرش بهارستان هر یک در جای خویش آینه ی تمام قد زیباییند و نشانه ی تنوع و قدمت ایرانیان هستند. بهارستانی که باید هم بهار آن را دوست داشت، هم از تابستان آن لذت برد و هم پاییز و زمستانش را ستود. باید بدانیم در دنیای پیچیده ی امروز نیز تنها با تکیه بر تنوع و تکثر قوم ایرانی که بر خاسته از خراسان فرهنگی بزرگ است، می توانیم قامت راست کنیم و طرحی نو در اندازیم، پس هر راه حلی که زبانها و لهجه های اصیل ایرانی در آن به رسمیت شناخته نشود پیشاپیش محکوم به شکست است زیرا تنوع و تکثر یکی از جلوه های هویتی ایرانیان است.



سندرم بینایی کامپیوتری
در کمین کارمندان

۸»



رشد ۱۰۰ درصدی
اعتبارات عمرانی شهر داری ها

۸»



نجات یک نسل
با منع سقط عمدی جنین

۸»

مهارتورم و رشد تولید

رشد محصول ناخالص داخلی و ارزش افزوده رشته فعالیت‌های عمده اقتصادی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ (درصد)

شرح	بهار ۱۴۰۱	تابستان ۱۴۰۱	پاییز ۱۴۰۱	زمستان ۱۴۰۱	سال ۱۴۰۱	بهار ۱۴۰۲	تابستان ۱۴۰۲	پاییز ۱۴۰۲
گروه کشاورزی	-۰.۹	-۳.۰	-۵.۸	-۵.۱	-۳.۸	-۴.۶	-۳.۲	-۱.۰
گروه صنایع و معادن	۵.۳	۵.۱	۷.۴	۸.۰	۶.۵	۷.۳	۸.۷	۶.۹
گروه صنایع و معادن بدون نفت	۷.۸	۴.۹	۵.۶	۵.۶	۶.۲	۰.۴	-۰.۴	-۱.۳
استخراج نفت و گاز طبیعی	۱.۱	۵.۳	۱۰.۷	۱۰.۷	۷.۰	۱۹.۸	۲۵.۶	۲۱.۸
سایر معادن	-۱.۵	-۰.۷	۳.۰	۰.۶	۰.۷	۱.۳	۱.۷	۰.۳
صنعت	۴.۸	۶.۵	۷.۲	۱۱.۹	۷.۷	۳.۶	۲.۶	۱.۳
تأمین آب، برق و گاز طبیعی	۱۸.۸	۴.۹	۶.۸	۲.۷	۷.۹	-۶.۰	-۶.۳	-۵.۶
ساختمان	-۱.۹	۰.۷	-۳.۷	-۳.۷	-۲.۳	۴.۷	۳.۹	۰.۴
گروه خدمات	۷.۴	۳.۰	۴.۶	۳.۷	۴.۶	۹.۳	۷.۵	۴.۶
عمده و خرده فروشی، هتل و رستوران	۴.۷	۳.۵	۰.۷	۵.۶	۳.۶	-۰.۳	۱.۴	-۰.۲
حمل و نقل، اتوبرداری و ارتباطات	۶.۱	۳.۹	۳.۷	۶.۳	۵.۰	۹.۰	۷.۹	۵.۶
واسطه گری‌های مالی	-۱.۱	-۴.۹	۷.۲	۵.۴	۱.۷	۴۲.۷	۱۶.۸	-۰.۵
مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار	۹.۸	۳.۵	۵.۶	۴.۴	۵.۸	۱.۳	-۰.۱	۰.۴
امور عمومی، آموزش، بهداشت و مددکاری	۶.۲	-۰.۶	۱.۳	-۴.۵	۰.۵	۳.۵	۱۲.۰	۱۵.۷
سایر خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی	۱۱۳.۲	۸۰.۵	۴۹.۹	۱۹.۹	۵۰.۳	۱۷.۴	۳۳.۵	۳۰.۷
محصول ناخالص داخلی (به قیمت بازار)	۶.۲	۳.۴	۵.۵	۵.۵	۵.۹	۷.۹	۷.۱	۵.۱
محصول ناخالص داخلی بدون نفت (به قیمت بازار)	۷.۱	۳.۱	۴.۱	۴.۶	۴.۷	۶.۱	۴.۲	۲.۵

و آخرین عدد اعلامی تورم بانک مرکزی مربوط به آذرماه و ۵۴/۲ (پنجاه و چهار ممیز دو) درصد می‌باشد. دولت علیرغم اینکه خوشبختانه به این نتیجه رسیده بود که عامل رشد تورم در کشور رشد نقدینگی است و سعی کرد که جلوی رشد نقدینگی را بگیرد ولی در مهار رشد نقدینگی به جای کنترل ریشه‌های اصلی رشد نقدینگی یعنی کسری بودجه دولت و ناترازی بودجه، به سمت فشار به بانکها در اعطای تسهیلات و کنترل ناترازی بانکها رفته است و با کنترل ضریب فزاینده یا همان سرعت گردش پول جلوی رشد نقدینگی را گرفت و رشد بالای پایه پولی در آخرین آمار رسمی منتشر شده نشان از آن دارد که کاهش رشد نقدینگی بدون کنترل رشد پایه پولی اولا برکنشت پذیر بوده و ثانيا کنترل اعطای تسهیلات می تواند باعث ایجاد رکود در بخشهای

اقتصادی کشور گردد که نتایج آن در آمار رشد اقتصادی کشور در فصل پاییز کم کم ظاهر گردیده و در فصل زمستان و در رشد اقتصادی سال آینده بیشتر خود را نشان خواهد داد. در زمینه رشد تولید هم علیرغم اینکه کشور سال قبل را با تکیه بر رشد بخش نفت و همزمان با استفاده از موتور رشد بخش نفت با رشد نسبتا مناسبی در بخشهای صنایع و معادن و ساختمان و آب و برق و گاز پشت سر گذاشته بود و رشد اقتصادی گروه صنایع و معادن در سال قبل با نفت ۶۷۵ (شش ممیز پنج)درصد و بدون نفت هم ۶۷۲ (شش ممیز دو)درصد بوده ولی رشد این بخش بدون بخش نفت در بهار امسال به ۰/۴ (صفر ممیز چهار)درصد و متاسفانه بر مبنای آخرین آمار منتشر شده مرکز آمار ایران در فصل پاییز به منفی ۱/۲) یک ممیز دو (درصد رسید و با رشد منفی

در دوفصل متوالی گرفتار رکود گردیده ایم و رشد بخش صنعت که مهمترین بخش تولید کشور می باشد و نقش بالایی در اشتغال کشور دارد در فصل پاییز به ۱/۳) یک ممیز سه(درصد رسید که در مقایسه با رشدهای بالای ۷/۲ (هفت ممیز دو) درصد در فصل پاییز سال قبل و رشد دو رقمی ۱۱/۹ (یازده ممیز نه)درصدی زمستان سال قبل نشان از عقب رفت شدید رشد اقتصادی بخش صنعت کشور دارد، ضمن اینکه بخش تأمین آب و برق و گاز هم با رشد منفی ۵/۶ (پنج ممیز شش) درصدی در فصل پاییز نشان از آن دارد که وضعیت بخشهای تولیدی در کشور نه تنها رو به بهبود نیست بلکه در خلاف جهت شعار سال در حال حرکت بوده و نشان از این دارد که اگر بهر دلیلی از جمله فشار تحریمهای جدید رشد بالای بخش نفت متوقف و یا کاهش یابد رشد اقتصادی کشور هم در سال جدید کاهش یافته است و رسیدن به رشد اقتصادی بدون نفت کشور در پاییز امسال به ۲/۵ (دو ممیز پنج) درصد در مقایسه با رشد ۳/۱ (سه ممیز یک)درصدی پاییز سال قبل نشان از عقب گرد کشور در بخش رشد اقتصادی کشور دارد که از مهمترین دلایل این پس رفت ناترازی شدید در بخشهای برق و گاز واحدهای تولیدی می باشد که در تابستان با قطع برق و در فصل زمستان با محدودیت در گاز این کاهش رشد تولید اتفاق افتاده و روز بروز وضعیت را به سمت بحران می برد.



آگهی مزایده عمومی فروش املاک و مستغلات

شماره ۱۰۰۰۰۰۰۱۳۸۱۳۰۰۲۰۰ (نوبت چهارم) مدیریت بانک کشاورزی استان گلستان

بانک کشاورزی در نظر دارد

مشاهده، بررسی و انتخاب می باشد.

۳. علاقمندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره های ذیل تماس حاصل نمایند:

مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه: ۰۲۱-۴۱۹۳۴-۰۲۱

اطلاعات تماس دفتر ثبت نام سایر استان ها، در سایت سامانه www.setadiran.ir بخش «ثبت نام/پروفایل مزایده گر» موجود است.

شماره کارشناس مربوطه: ۰۱۷۳۲۲۳۰۲۶۴-۸

۴. سپرده شرکت در مزایده معادل ۵ درصد مبلغ پایه مندرج در آگهی مزایده میباشد که طبق مندرجات اسناد مزایده، می بایست به صورت نقدی نزد بانک کشاورزی شعبه محل وقوع ملک یا هر یک از شعب بانک کشاورزی در استان واریز و رسید آن ارائه گردد و با معادل مبلغ مذکور چک تضمین شده بانکی و یا ضمانت نامه معتبر بانکی و یا به شماره حساب ۰۱۸۹۰۰۹۱۴۸۵۱۰۱ به نام بانک کشاورزی نزد بانک ملی واریز و فیش آن ارائه گردد.

۵. بازدید از املاک و مطالعه سوابق مربوطه قبل از شرکت در مزایده برای تمامی شرکت کنندگان ضروری می باشد.

۶. بانک در رد یک یا تمامی پیشنهادات خرید مختار است.

۷. کلیه املاک با وضع موجود به فروش میرسد و در صورت داشتن متصرف، تخلیه ملک به عهده خریدار است.

۸. هزینه نقل و انتقال اسناد مطابق عرف قانون معاملات می باشد.

۹. در فروش به روش نقد و اقساط نوع عقد تنظیمی اجاره به شرط تملیک خواهد بود.

املاک و مستغلات مزاد بر نیاز خود را از طریق مزایده عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده، با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (Setadiran.ir) و با شماره مزایده ۰۲۰۲۰۳۸۱۳۰۰۰۰۱ به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۵

مهلت دریافت اسناد مزایده: ۱۴۰۲/۱۲/۵ الی ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ ساعت ۱۵

تاریخ بازدید: ۱۴۰۲/۱۲/۵ الی ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

مهلت ارسال پیشنهاد: ۱۴۰۲/۱۲/۵ الی ۱۴۰۲/۱۲/۲۶ ساعت ۱۵ - تاریخ بازگشایی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ ساعت ۹ صبح

تاریخ اعلام به برنده: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

شرایط عمومی و توضیحات برگزاری مزایده دستگاه اجرایی

ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی است:

۱. برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir می باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده (در صورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده گران محترم از این طریق امکان پذیر می باشد.

۲. کلیه اطلاعات املاک و مستغلات شامل مشخصات، شرایط و نحوه فروش در برد اعلان عمومی سامانه مزایده، قابل

جدول نحوه پرداخت ثمن معامله املاک تملیکی بانک کشاورزی

ردیف	شرایط پرداخت	میزان پرداخت نقدی	میزان پرداخت غیر نقدی
۱	الف	۱۰۰٪	-
۲	ب	۵۰٪	۵۰٪ به مدت ۳۶ ماه (با نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار)
۳	ج	۳۰٪	۷۰٪ به مدت ۳۶ ماه (با نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار)

ردیف	شماره پرونده	نام شعبه	آدرس	مشخصات ثبتی ملک	نوع ملک	متر اژ کل		قیمت پایه (ریال)	نحوه پرداخت ثمن معامله	توضیحات
						عیان	عرصه			
۱	۷۳۵۳	بندرگز	بندرگز. خیابان امام خمینی جنب پارک جنت	ششدانگ یک واحد منزل مسکونی به مساحت دوهزار و پانصد و نود و پنج متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۳۲۳ فرعی از اصلی (عرصه) و ۹۱ اصلی (عیان)	مسکونی	۶۹۷	۲۵۹۵	دویست و چهار میلیارد و ششصد و بیست میلیون ریال	شرایط بند الف جدول صدرالذکر	ملک با وضعیت موجود در تصرف مالک اولیه می باشد تخلیه بر عهده برنده مزایده می باشد.
۲	۷۳۱۳	بندرگز	بندرگز. خیابان شهید جلیلی	۲،۲ دانگ مشاع از ششدانگ یک واحد منزل مسکونی به مساحت کل یکصد و هفتاد و هشت متر و شصت و دو دسی متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۳۴۶۹ فرعی از یک اصلی و ۱۲۷۰۹ اصلی	مسکونی	۱۷۸،۶	۱۷۵	سیزده میلیارد و نهصد و سی و چهار میلیون ریال	شرایط بند الف جدول صدرالذکر	ساختمان مسکونی ۲ طبقه (همکف اول) و با وضعیت موجود در تصرف مالک اولیه می باشد تخلیه بر عهده برنده مزایده می باشد
۳	۷۳۳۸	بندر ترکمن	بندر ترکمن. خیابان بهشت ۱۳، کوچه فروغی ۲	مقدار یکصد و هشتاد و شش متر و هشتاد و هشت دسی متر مربع مشاع از ششدانگ یک واحد منزل مسکونی به مساحت پانصد و چهار متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۲۸۴۵ فرعی از یک اصلی	مسکونی	۵۰۴	۲۷۳	ده میلیارد و سیصد و نوزده میلیون و دویست و هشتاد هزار ریال	شرایط بند الف جدول صدرالذکر	ملک با بنای احداثی ۲ طبقه و با وضعیت موجود در تصرف مالک اولیه می باشد تخلیه بر عهده برنده مزایده می باشد
۴	۶۳۵۵	گرگان	گرگان. انتهای شهر کخیام	ششدانگ عرصه و عیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت نه هزار و دویست و بیست و یک متر و چهل و شش دسی متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۳۵۸۷ فرعی از ۸۸ اصلی	زمین زراعی	۹۲۲۱/۴۶	-	هشتاد و چهار میلیارد و هفتصد و هشتاد و شش میلیون و نهصد و هشتاد هزار ریال	شرایط بند ج جدول صدرالذکر	ملک در تصرف بانک می باشد
۵	۶۷۲۲	بندر ترکمن	بندر ترکمن. گمیشان. جعفری باغی غربی، خواجه نفس	مقدار بیست و پنج هزار و هفتصد و سی و هشت سهم مشاع از پنجاه هزار سهم از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت پنجاه هزار متر مربع به صورت زمین مزروعی به شماره پلاک ثبتی ۲۰۴۷ فرعی از یک اصلی	زمین زراعی	۵۰۰۰	-	نه میلیارد و هشت میلیون و سیصد و چهار هزار ریال	شرایط بند ج جدول صدرالذکر	ملک در تصرف بانک می باشد
۶	۷۳۱۷	آزادشهر	آزادشهر. روستای مرزین	مقدار دوازده هزار و یکصد و سه متر و پنجاه و پنج دسی متر مربع مشاع از ششدانگ عرصه و عیان یک قطعه زمین زراعی به مساحت سی هزار متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۵۸ فرعی از ۱۲ اصلی	زمین زراعی	۳۰۰۰	-	دوازده میلیارد و یکصد و سه میلیون و پانصد و پنجاه هزار ریال	شرایط بند الف جدول صدرالذکر	ملک با وضعیت موجود در تصرف مالک اولیه می باشد تخلیه بر عهده برنده مزایده می باشد.

شناسه آگهی - ۱۶۷۳۷۷۳

« آگهی ثبتی

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت

ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۲

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رای جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱- رأی شماره ۰۵۷۴۰۰۰۱۲۰۳۱۲۰۲۶ در پرونده کلاسه ۱۶۴۰۰۰۰۱۲۰۱۱۴۴۱۴۰۲۱ تصرفات مغروری و مالکانه خاتم زلیخا رخشانی فرزند کریم به شماره شناسنامه ۱۱۷۶۵ صادره از کردکوی دائر بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۹۳۶ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۲ فرعی از ۱- اصلی واقع در گلستان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای رمضانعلی یازرلو). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل

برابر رأی شماره ۰۳۳۹۱۲۰۰۳۱۲۰۲۶۰۲۶۰۱۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاسه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خاتم مریم تیموری کوهسار فرزند علی اصغر بشماره شناسنامه ۶۱۳ صادره از شهرستان کاله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۰۰ مترمربع مغرور و مجزا شده از پلاک ۲۰۱ اصلی واقع در ارضی قریه آبدرویش بخش ۹ شهرستان کاله خریداری از مالک رسمی آقای/خاتم آیدقندی مرادی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اقبضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

بهمن سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کاله- م الف ۱۲۴۶۵

تا دو ماه اعتراض خود را کتباً با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت ، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ (دوشنبه) تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳ (چهارشنبه) مجتبی گلچین- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان- م الف ۱۲۴۶۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳

آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی

و ساختمانهای فاقد سند رسمی

پنجره عقبی



حین انصاری به دستشویی می رود! آن ها به گمان اینکه انصاری رفته در مورد فرضیه قتل توسط کسرا صحبت می کنند، در همین حین انصاری از دستشویی بیرون می آید و زغال گذاخته را دوباره به دست کسرا برمی گرداند، کسرا که زیر بار نمی رود، انصاری پیشنهاد می دهد که به سراغ خانواده مقتول بروند و موضوع را برایشان تعریف کند و پلیس مشخص کننده این موضوع باشد، کاوه که برادرش را در حال سوختن می بیند، با یک حرکت زغال را دوباره به دست انصاری می دهد، او را تهدید می کند که اگر این کار را بکند، او هم به همسرش، موضوع منشی را می گوید، چند صبحی زغال در دست انصاری می ماند اما انصاری که خودش را در معرض اخاذی می بیند طی یک اقدام غیرمنتظره زنگ می زند به همسرش و موضوع منشی را خودش به همسرش اقرار می کند و دوباره زغال را به دست کسرا می دهد، کاوه که دیگر هیچ چاره ای ندارند به دست و پای انصاری می افتد، ولی او قبول نمی کند و مرغش یک پا دارد که الا و بلا باید به خانواده مقتول بگوید و در غافلگیری پایانی، کسرا زغال را به دستان نیلوفر می اندازد، نیلوفر دختر انصاری است و امروز با سوییچ بدکی که نیلوفر آورده بود با هم بیرون رفته بودند، کسرا به نیلوفر زنگ می زند و طوری که متوجه نشود، مجبورش می کند که پشت تلفن اقرار کند که امروز نیلوفر پشت فرمان نشسته بود. انصاری که دخترش را مظنون به قتل می بیند، از آن ها قول می گیرد تا چیزی نگویند و از خانه بیرون می رود، کسرا هم که از اول قرار بوده با نیلوفر فرار کند، (در داستان چندان واضح این موضوع بیان نشده که انگیزه شان واقعا چیست؟!)) منصرف می شود و ساکش را برای اعزام به خدمت جمع می کند. این خلاصه ای از تئاتر بی/هوده اثر یاسر رضوانی بود. اگر از یک باگ نمایشنامه که همان دیلن پسر بچه توسط کسرا بوده، فاکتور بگیریم، می توانم بگویم که یک نمایش نامه تعلیقی معمایی بی نقصی را دیدیم. از این لحاظ می گویم باگ که اگر کسرا پسر بچه را زنده دیده باشد تمام فرضیه های خودش مبنی بر ضارب بودن انصاری بیهوده می شود و بر همین اساس تمام آن بلواها برای انتقال زغال گذاخته به دست انصاری کاری بیهوده و بی منطقی بوده، در واقع اگر او بچه را دیده پس باید خیلی قبل تر از حادثه دیده باشد تا این

گویند را می گویند: من که سر ظهر دیدمش، سالم بود، چیشد مرد؟

کاوه: یکی با ماشین زده انداختتش توی جوب، بی شرف وای نسته و رفته، جنازه بچه رو توی جوب پیدا کردند.

زغال همینجا شروع به گر گرفتن می کند. بچه ای که به قتل رسیده.

نویسنده با مهارت داستان پردازی چگونگی قتل این بچه را وارد خانه می کند، کسرا و نیلوفر با ماشین مدل بالایی که در حیاط خانه پارک شده است به خانه کسرا آمده اند، ماشین برای آقای انصاری مشاور املاک محل است که به دلیل نداشتن پارکینگ در خانه اش، ماشین را در خانه آن ها پارک می کند، کاوه متوجه لکه خون روی سپر ماشین می شود و متوجه می شود که ماشین از خانه بیرون رفته، زغال گذاخته می شود و در دستان کسرا می افتد. اکنون از نظر کاوه، کسرا متهم به قتل کودک است، کسرا مدام طفره می رود ولی کاوه با کروکی که می کشد و همچنین زمان ورود کسرا به خانه، تا حدود زیادی احتمال می دهد که قاتل کسراست، به همین خاطر او را ترغیب می کند هر چه زودتر بدون اینکه چیزی بگوید به خدمتش برود، در این هنگام انصاری برای بردن ماشینش می آید، همه چیز منطقی پیش می رود تا اینکه کسرا قصد می کند این زغال گذاخته را به دست انصاری بدهد، او به کاوه می گوید که انصاری با هول و ولا به خانه شان آمده و در حالی که رنگ به رخسار نداشته، ماشین را اینجا گذاشته و به او گفته که به کسی چیزی نگویند، در مورد ماشین هم بگوید که از صبح اینجا بوده! کاوه هر کار می کند که کسرا را ساکت نگه دارد و دامن به این مساله نزند، نمی تواند، کسرا مدام سرتق بازی در می آورد که انصاری را بابت حرف های امروزش استنطاق کند، کسرا بالاخره زغال گذاخته را به دست انصاری می دهد و او را متهم به قتل بچه می کند، انصاری که غافلگیر شده شروع می کند به توجیه کردن: که آن خون برای قربانی ایی است که به سپر ماشین زده و در آن ساعتی که ماشین را آورده در واقع مجبور شده بوده به خاموش دروغ بگوید چون یکی از دوستان خاموش او را با منشی اش داخل ماشینش دیده، به همین خاطر مجبور شده ماشین را به خانه آنها بیاورد. کسرا که زیر بار نمی رود کاوه با مشت و لگد او را به اتاق دیگری می برد و در همین

خودکشی چیزی نداشت اما، فیلمی منطبق با فاکتورهای جشنواره های دخالت گر ساخته شد تا جایی که جایزه نخل طلای کن را (مشترب) به این فیلم دادند، نگاه رانفی پورانه نداریم، ولی همه اینها نشانه بوده که امروز نتیجه اش را می بینیم، که البته با امید به سیاست های درست و ریل گذاری های درست تر امثال آقای خزاعی ها، می توانیم به این سیاه نمایی ها و دسیسه ها پایان دهیم و به آینده ای روشن امیدوار باشیم، امید به استعدادهای نوشکفته جوانان انقلابی در حال ظهور. (البته که در مستندی که بعدها برای فیلم طعم گیلاس ساخته شد، وقتی که نظر مردم را بعد از تماشای فیلم و خروج از سینما می پرسیدند، همگی به مزخرف بودن فیلم اذعان داشتند، اصلا معلوم نیست این اصطلاح روشنفکری هم دسیسه همان جشنواره ها باشد تا مردم عادی را به سخره بگیرد، وگرنه همانطور که در مستند می بینیم، اکثر قریب به اتفاق مخاطبان، از فیلم ناراضی بودند.) واقعا جای خسته نباشید دارد که به ایشان و تیم مبتکرشان و هیئت انتخاب و داوران، تبریک بگوییم که با تلاش های شبانه روزی بالاخره توانستند سینما منحرف شده و به سوی دره روان شده را به مسیر پر شکوه و انقلابی اش برگردانند.



علی درزی

یک فیلمنامه یا نمایشنامه تعلیقی همراه با غافلگیری را می توان به زغالی خاموش و خام تعبیر کرد، مقدمه و شروع چنین داستان هایی به مثابه جرقه ای بر این زغال می ماند، جرقه ای که رفته رفته دمای داستان را بالا می برد، نمایش "بی هوده" با شروعش که قرار کسرا و نیلوفر در خانه کسراست، شروع می شود، کسری امشب قرار است به خدمت سربازی اعزام شود و می خواهد برای آخرین بار در خانه با دوست دخترش نیلوفر خداحافظی کند، آن ها در حال برگزاری مراسم وداع هستند که کاوه برادر بزرگتر کسرا که با او زندگی می کند سر می رسد و همه برنامه هایشان را به هم می ریزد. کسرا به هر زحمتی که هست، بدون اینکه کاوه نیلوفر را ببیند و بشناسد او را از خانه بیرون می برد و قائله ختم به خیر می شود! ولی داستان از آنجایی شروع می شود که صدای شیون از کوچه بلند می شود، کسرا که دلواپس نیلوفر است می خواهد به کوچه برود ولی کاوه مانعش می شود و می گویند: که این سر و صداها مربوط به شیون زن همسایه است که پسر بچه اش را کشته اند، کسرا متعجب از مرگ پسر همسایه یک جمله کلیشه و معمول را که همه در این مواقع می

به مناسبت

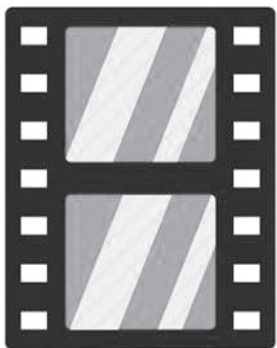
اختتامیه جشنواره فجر

یادداشت دبیر صفحه

برای نخستین بار در طول تمام ادوار برگزار شده جشنواره فجر، ما بالاخره یک رئیس سازمان امور سینمایی و سمعی بصری را به چشم خود دیدیم که علاوه بر خلاقیت در سخنانی (انتخاب دعای سال نو که به زیبایی و با مضمونی زیرمثنی، به تحویل سال نوی سینمایی اشاره کرد)، اهل خانواده سینماست و بیشتر از هر کسی به بدنه تاریک و کبره بسته سینمای امروزمان اشناست، آقای خزاعی با استقلال و قدرت توانست با قطع دست هر دخالتگری جشنواره را به مستقل ترین نوع خودش برگزار کند تا جایی که جناب وزیر فرمودند: ما هیچ گونه دخل و تصرفی در جوایز جشنواره نداشتیم و تصمیم گیرنده خودشان بودند. از همین روی یکی از بهترین دوره ها رقم خورد. اولین نکته ای که جزو دست آوردهای گران قدر ایشان بوده و حتما می بایست به آن اشاره کرد: پاکسازی سینمای ایران از سیاه نمایی و شواف های جشنواره پسند است. سالیان سال فیلم هایی را مشاهده کردیم که به شدت، تاریک و غلو شده بودند، آثاری که چون عشقه دور درخت سینما پیچ خورند و با دریغ نور از آن، او را تا سر حد مرگ شکنجه اش دادند. عشقه هایی که جز پوساندن و نابودی این درخت، هدف دیگری نداشتند. البته که به مرحمت حضور و نواندیشی این مسئول بزرگوار و مشاوره از نیروهای کاربلد و تمسک جویی به ریشه های عمیقی (دیانت) که در خاک چنگ انداخته بود، توانست این پیچک های سمج را به خس و خاشاک تبدیل کند و شرش را از سر درخت سینمای مان کند. به حمدالله سه عدد از این فیلم ها که از سال قبل در نوبت مجوز نمایش بودند با لو رفتن در فضای مجازی، خود به خود به حسابشان رسیدگی شد. باز هم صدهزار مرتبه جای شکرش باقیست که این لو رفتن ها از جانب پخش کنندگان خارجی و صد البته همان جشنواره های بی پدر مادر است که هدفی جز هیزم دادن به آتش مشکلات داخلی کشورهای دیگر ندارند. همانطور که فیلم نوری بیگله جیلان از جشنواره چین لو رفت. باز خوب شد که مشخص شد کار آن ها بوده و این پروسه عدم صدور مجوز کاملاً یک امر عادی و مرسوم بین اهالی سینماست و هیچ ربطی به این قضیه نداشته. طبق گفته های خود آقای خزاعی ما امسال هیچ فیلم سیاه نمایی و دشمن شاد کنی نداشتیم، و این در دوران سینمایی ما از بدو تولدش بی سابقه است، البته که میزان، رای و نظر خود مخاطبان است، مثلاً همین فیلم جشنواره (کن) پسند طعم گیلاس مرحوم کیارستمی که معرف حضورتان هست؟! خدایشان قرین رحمتشان کند ولی فیلمی ساختند سراسر پر از یاس و تاریکی، ناامیدی و به بن بست رسیدن، جز مرگ و



که می‌گویند خوبست اینست وضعش، چه در شعله‌ور و چه در رگ خواب و چه در بوتیک. ولی به حال سعیدشان، که هیچ است و پوچ، ببینیدشان و ببینید که چه می‌گویم من.



نیست که صرفاً یک مکان‌خانه در کار باشد و اشخاص در آنجا مشغول باشند، منظور صحنه فرانسوی و پلان‌سکانس و تک‌مکانی بودن داستان نیست. به مثل هشت نفرت‌انگیز تارانتینو یا کشتار پولاتسکی، اینها منظور نیست. بلکه واقعا خانه بودن-محل زندگی بودن آنجا مدنظر است. درین بین، وقتی همچه عنصری را در داستان می‌آوریم، توقع می‌رود که این اشخاص اولاً باهم تفاوت داشته باشند - حتی شده تیپیکال - دوماً زندگی-روایت این افراد، مهم و موثر باشد اگر که در یکجا زندگی میکنند. چه فرقی دارد وقتی که یکسری آدم در یکجا باشند و باهم نباشند و به هم ربطی نداشته باشند با کسانی-دوستانی که در جاهای مختلفی زندگی میکنند و گاه‌گاه به هم همدیگر را می‌بینند و حالا به هم با هم مربوط هم میشوند مثلاً فرق، باید باشد قطعاً. بله، میتوان داستانی نوشت که در آن اشخاص باهم باشند و از هم جدا باشند. تم و مضمون ممکن است فرق کند. ممکن است وسازی دیگری در کار باشد این وسط. اما در بوتیک درست است که خانه، اصل و اساس داستان نیست و محوریت داستانی ندارد ولی دقیقاً به همین دلیل وجود خانه، به صرف یک مضمون خیلی ریز اقتصادی فروکاهیده میشود در فیلم. اشخاص مختلف، وقتی تأثیری ندارند بر هم دیگر، و وقتی که بر داستان در حالت کلی هم اثر نمی‌گذارند، دیگر اهمیتی ندارد که فلاهی کار ندارد یا آن یکی دکتر مملکت است و پیر شده یا آن یکی دارد ازدواج میکند. نه خیر. همه‌ش چرت است. صرفاً میشود گفت زندگی در ایران انسانها را به هم‌خانگی سوق می‌دهد چون که نمیتوانند آنها خانه بخرند یا اجاره کنند به صورت تنها و فرداً. همین و بس.

دو

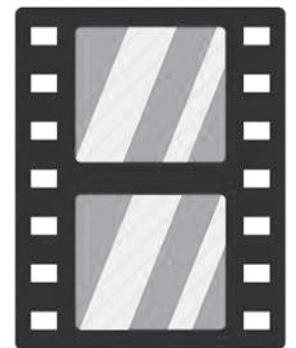
داستان فیلم بوتیک چیست؟ درباره زنانگی است؟ درباره اینکه یک دختر نمیتواند بدون کمک یک مرد آب بخورد حتی؟ درباره پدرسالاری است که در وضعیتی کلان دختران-زنان را میراند از مام میهن؟ یا فانتزی رفتن را در آنها اوج میبخشد؟ شاید. شاید درباره تمام اینها باشد. اما بوتیک، بیشتر از اینها، صرفاً مثل یک ویتترین است. یک ویتترین چیده نشده و ناتمام. فرقی ندارد برای ما شخصیت جهان، زندگی و خودش و هلفش. فرقی ندارد چه شدن اتی برای ما. چون نه هدف ساخته و نه ترس و نه آرزو. هیچ ندارد این فیلم برای شخصیت و داستان و مضمون. تنها مضمون شاید همان کمی زنانگی باشد و دیدن سطحی زندگی دیگران، و اینکه با مقایسه با وضعیت-معیشت امروز، به سطح درج‌ازدگی-مردگی ملت-دولت پی ببریم، و اینکه چگونه به مرگ گرفته شده اند، تا به تب، راضی باشند. تب یک پراید، یا یک ازدواج، یا یک خانه ی نقلی، با هزارتا هم‌خانه در کنارت و تو حلقِ زندگی‌ات. حمید نعمت الله

خانه ی مشترک، نقش عمده ای دارد. اینکه خانه، به عنوان محل باهم بودن، مورد توجه قرار میگیرد. این امر، به لحاظ ژنریک، هم در ژانرهای مختلفی بروز میکند، هم افرادی که در آن خانه هستند، نسبت های مختلفی دارند. مثلاً در سریال وضعیت سفید یا در سریال عظیم، خانواده-خانواده ها در محل مشترک هستند، و یا بالعکس، در بوتیک، افراد مجرد هستند که دور هم جمع میشوند در یک خانه، چه این جمع، خانواده باشد، و چه جمع مجردان، آنچه به چشم می‌آید، خانه است که در مرکز توجه است. این افراد نیستند که خانه را به دست می‌آورند - چه رهن و چه خرید و چه اجاره - بلکه این نوع و چگونگی خانه است که افراد را انتخاب میکند. خانه است که تصمیم میگیرد چه قشری و چه تعدادی از افراد بیایند درش و توش سکونت کنند. این استعاره ای غلط است، اما در جهان اشیا، در جهان تسلط و تثبیت اشیا و شهوت روزافزون اشیا به مصرف شدنشان توسط افراد، وقتی که مالک خانه، خود نیز معلول پیامدهای دیگری از قبیل سود و زیان و تورم، به لحاظ اقتصادی، و یا حرص و طمع و مدام بالاتر رفتن از دیگری-دیگران است، به لحاظ فرهنگی، درین حین خانه، ارزشی چندان بالا و بالاتر میگیرد، که دیگر اجزای سازنده ی وضعیت کنونی خانه، چه مانی و چه معنوی، بالکل مدنظر نیست، همه چیز محو میشود و خود خانه، مثل یک بت، علم میشود. نقش خانه، میشود مثل نقش یک ستاره، در فیلم یا سریال. ساخت ستاره، معلول عوامل مختلفی است. مثل پرسونا‌های او در بیرون و درون فیلم. در حالی که ساخت ستاره، پیش از ستاره شدن، از قرارداد مالی مثلاً با تهیه کننده، نوع لباسی که تنش میکنند، از گریم، از بازگردانی، از متنی که نویسنده نوشته، از کارگردانی، از نور، از موسیقی و چیزهای دیگر اثر می‌گیرد و اینها بخشی از اجزائی هستند، که نمایی از ستاره را، در قاب سینما می‌نشانند. همه میلانند که ستاره به خودی خود ستاره نیست، همه میلانند که پشت صحنه

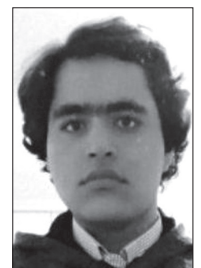
کرورکرور آدم مشغول کارست، ولی ستاره است که می‌رود رو تبلیغ بیلپورد، اوست که فیلم بهش شناخته میشود، مثلاً همون فیلمه که فالابی توشه، بریم اون رو ببینیم... و ستاره میشود بت، به مثل خانه. خاصیت خانه، خاصیتی دوگانه است - در کمترین وجوه آن، یکی اینست که با محوریت خانه، داستان مرکزیت مکانی میگیرد. که این مرکزیت فقط به معنی مکان باهم بودن نیست، بلکه مکانی است که خود میتواند اتفاقات داستان را روشن، و به هم مرتبط کند. یکی دیگر اینست که خانه، جایی است که میتوان اشخاص دیگر را نیز وارد داستان کرد. اصلاً شاید دلیل نوشتن داستانی با یک خانه در محوریتش، این باشد که تمام آن اشخاص میتوانند شخصیت داستانی شوند. پس تا اینجا، یک دلیل شخصیتی داریم و یک دلیل پیرنگی. توجه کنید که منظور از محوریت خانه در شکل‌دهی پیرنگ و اشخاص، این

شک که انصاری ضارب بوده در ذهن مخاطب بماند، ولی هنگام کروکی کشیدن توسط کاوه خود کسرا اذعان دارد که بچه را دیده، پس فرضیه ضارب بودن انصاری رد می‌شود. با تمام این تفاسیر کاملاً مشخص است که نمایشنامه بارها و بارها به خوبی صیقل خورده تا این جایجایی های زغال گلاخته با گره گشایی های حساب شده و مهندسی شده عملی شود. اما متأسفانه در اجرا بجز کاوه که خود آقای رضوانی نقشش را بر عهده داشت، مابقی بازیگران پایین تر از حد انتظار نمایشنامه ظاهر شدند. منظور از حد انتظار نمایشنامه یعنی به نمایش در آوردن همان منطق جایجایی زغال گلاخته در دستان هر یک از بازیگران نمایش بود، سطح بازی ها در دیالوگ گفتن طوری به نظر می‌رسید که هر بازیگر (بجز کاوه) منتظر بود تا طرف مقابل دیالوگش تمام شود تا او دیالوگش را بگوید، طوری بازی ها انجام شد که انگار بازیگر می‌داند که چه اتفاقی قرار است بیافتد یا چه دیالوگی گفته شود، القای چنین حسی واقعا به کار ضربه می‌زند. یکی از ویژگی های کار خوب در تئاتر همین باره ماندن کار در هر شب اجراست، اگر بازیگران در هر شب اجرا طوری بازی کنند که این حس تکرار و همه چیز از پیش تعیین شده است را به تماشاگر القا کنند، امکان چندبار دیدن تماشاگر هم هست! یکی از ویژگی های جذاب این کار استفاده از یک پنجره بود که ماشین پارک شده از آن پیدا بود و البته در مقاطعی بازی بازیگران که مثلاً به حیاط می‌رفتند از آن پشت هم دیده می‌شد، از آن ایده های خلاقانه که ذهن ناخودآگاه به پنجره عقبی هیچکاک گریز می‌زند!

آخر این نقد را با یک پیشنهاد به انتها می‌برم، اگر در آخر می‌فهمیدیم که قاتل شخص دیگری بوده، اسم نمایشنامه نیز با مسماتر جلوه می‌کرد.



یک ویتترین ناتمام



محمد صالح فصیحی

یک

بیشتر در دهه ی هشتاد است که هم در صداوسیما، هم در سینما، فیلمها و سریالهایی ساخته میشود که در آن،

سندرم بینایی کامپیوتری در کمین کارمندان



به گفته کارشناسان، خیره شدن به صفحه نمایش رایانه، تپلت و گوشی‌های هوشمند برای همیشه به بینایی آسیب نمی‌رساند. با این حال، انجام این کار می‌تواند عوارض جانبی آزاردهنده‌ای، به ویژه سندرم بینایی کامپیوتری ایجاد کند. به گزارش ایرنا زندگی، گفته‌های قدیمی حاکی از این هستند که نگاه کردن طولانی مدت مانیتور یا تماشای تلویزیون باعث رسیدن آسیب‌های همیشگی به چشم خواهد شد؛ این در حالی است که ما امروزه دائم با انواع نمایشگرها سروکار داریم؛ خواه کار زیاد با کامپیوتر در محل کار باشد، یا کار با موبایل جهت انجام امور روزانه و ارسال پیام و برقراری تماس، و یا تماشای تلویزیون در پایان روز؛ اما آیا خیره شدن به صفحه نمایش واقعاً به چشمان انسان آسیب می‌رساند یا این یک افسانه قدیمی است؟ تحقیقات علمی جدید دراینباره چه می‌گویند؟

بر اساس بررسی‌های انجام شده توسط دکتر بلانکنی، مشاور امور بینایی دانشگاه اوپتومتری لندن، کار با کامپیوتر آثار مخرب دائمی بر روی چشم ندارند. اگرچه این امکان وجود دارد که عضلات چشم خسته شوند و حتی آسیب‌هایی که از قبل به چشم وارد شده‌اند، تشدید شوند.

مشکلاتی که نگاه طولانی مدت به نمایشگر به همراه دارد

تحقیقات نشان می‌دهد ۵۰ تا ۹۰ درصد افرادی که به طور دائم با کامپیوتر سروکار دارند، و به‌طورکلی به مدت روزانه بیش از ۳ ساعت به صفحه نمایشگر خیره می‌شوند، دچار سندرم بینایی کامپیوتری خواهند شد. شایع ترین علائم سندرم بینایی کامپیوتری عبارتند از: سردرد، احساس خارش چشم،

ناراحتی چشم، خشکی چشم یا ریزش اشک، احساس سوزش چشم، تداخل تشخیص رنگ، تاریبني، دشواری تمرکز، وضوح چشم، سندرم بینایی کامپیوتری در کمین کارمندان

اشعه‌های صفحه مانیتور موجب خستگی عضلات چشم می‌شوند

خستگی چشم نوعی از آسیب‌های خستگی تکرارشدنی (RSI) است که به علت استفاده بیش از اندازه از عضلات به‌صورت روزانه، کاهش زمان استراحت عضلات، عدم رعایت اصول سلامت و سایر موارد مشابه به وجود می‌آید. برای چشم نیز علت‌های زیادی برای دچار شدن به این مسئله وجود دارد و یکی از مهم‌ترین آن‌ها اشعه است. به‌طورکلی اشعه‌ها به دودسته بنی اصلی تقسیم می‌شوند: مستقیم و غیرمستقیم. اشعه مستقیم از منبع تولیدکننده اشعه به چشم وارد می‌شود و اشعه غیرمستقیم نیز از طریق بازتاب از یک سطح، مثل فلز یا آینه به چشم وارد می‌شوند. اشعه‌هایی که از سطح مانیتور تابیده می‌شوند، اغلب

یا بسیار تاریک هستند یا بسیار درخشان. این اشعه‌ها موجب خستگی عضلات چشم می‌شوند. چرا که عضلات چشم در حال تلاش دائم برای ایجاد تصویر از میان این اشعه‌های تاریک و روشن هستند. یکی دیگر از دلایل اصلی خستگی چشم، محل قرارگیری مانیتور است. ارگونومی یا روش اصولی کار با نمایشگر برای چشم، قرارگیری آن در مقابل صورت، کمی پایین‌تر است. یعنی چشم‌ها چند درجه پایین‌تر از رویرو را ببینند. حال اگر نمایشگر در گوشه میز قرار داشته باشد، عضلات چشم علاوه بر دشواری تصویرسازی باید هر لحظه جهت چرخش، چشم را نیز تنظیم کنند که همین امر موجب تشدید خستگی چشم خواهد شد.

راهکارهای کاهش فشار به چشم هنگام استفاده از صفحه نمایش

راه‌های متعددی برای کاهش فشار وارد شده به چشم هنگام تماشای صفحه‌نمایش وجود دارد همان‌طور که گفته شد، قرارگیری مانیتور در روبروی چشم، کمی پایین‌تر.

پلک‌زدن بیشتر

طبق یک قاعده کلی، افراد هنگام تماشای مانیتور کمتر پلک می‌زنند و این موجب خشک شدن چشم می‌شود؛ بنابراین باید دقت داشته باشیم که سرعت پلک‌زدن ما کاهش پیدا نکند. حتی پلک‌زدن بیشتر نیز به معنی مرطوب شدن بیشتر و یک اتفاق مفید است. اجتناب از تماشای ممتد مانیتور، در این رابطه قاعده ۲۰-۲۰-۲۰ معرفی می‌شود. هر ۲۰ دقیقه تماشای تلویزیون، ۲۰ ثانیه تماشای چیزهای دیگر ترجیحاً با فاصله ۲۰ متری (فاصله قانونی چشم از فاصله نزدیک مانیتور به فاصله دور تغییر حالت دهد)

ترک کردن میز کار و استراحت پس از هر ۲ ساعت

علاوه بر موارد گفته شده، استفاده از محافظ اشعه -یک‌لایه شفاف با قابلیت جلوگیری از عبور اشعه‌های مضر - هم می‌تواند بسیار مفید باشد. البته این محافظ‌ها علاوه بر کاهش فشار به چشم، قابلیت محافظت فیزیکی از ضربه و خط‌وخش را نیز دارند. یکی دیگر از راهکارها که برای افراد عینکی نیز یک مزیت محسوب می‌شود، استفاده از عینک‌های ضد اشعه و عینک‌های مخصوص کار با کامپیوتر است. در میان قابلیت‌هایی که برای شیشه عینک‌ها استفاده می‌شود، آپشن‌هایی با نام بلوکات Blue Cut یا بلو کنترل که مربوط به حذف یا کنترل عبور اشعه‌های مضر هستند. افراد عینکی می‌توانند هنگام خرید عدسی سفارش نصب این قابلیت را نیز بدهند و افرادی هم که عینکی نیستند می‌توانند هنگام کار با نمایشگر، از یک شیشه ساده بدون نمره و باین قابلیت استفاده کنند.

فرزندآوری دغدغه‌ای هم نداشتیم باز هم باید به مساله سقط جنین می‌پرداختیم چون اعداد و امار اعلامی از سقط عمدی جنین نشان می‌دهد در این مساله وضعیت خوبی نداریم. حجت حاجی کاظم ادامه داد: اندیشکده مردمی حریم حیات جنین در سطح ملی ضمن پژوهش، در حوزه مساله یابی، حل مساله و آموزش‌های تخصصی در حمایت از جنین در مقابل سقط عمدی فعالیت می‌کند و در استان‌های مختلف اقدام به ارائه آموزش‌های مختلف می‌کند. وی ادامه داد: در کارگاه‌های آموزشی با موضوع حمایت از جنین در مقابل سقط عمدی، اساتید در حوزه‌های مختلف از جمله پزشکان، متخصصان زنان و زایمان، کارشناسان مامایی و اخلاق پزشکی، فقهی، حقوقی، روانشناسی و جامعه‌شناسی حضور پیدا کرده و آموزش‌های لازم را ارائه می‌کنند. این مدرس نجات زندگی با بیان اینکه با دستگاه‌های اجرایی مختلف نیز برای جلوگیری از سقط عمدی جنین و فرهنگ‌سازی این موضوع همکاری می‌کنیم، گفت: ضمن پایش و انجام کارهای پژوهشی و تحقیقاتی در تدوین سندها نیز به آنها کمک خواهیم کرد. دوره آموزشی تخصصی به حرمت زندگی (انصراف از سقط عمدی و مقابله با سقط غیر قانونی جنین) به همت امور بانوان استانداری گلستان، مرکز بهداشت استان و موسسه رهپویان آفاق وصال ویژه پزشکان و کارشناسان حوزه سلامت در قالب یک کارگاه آموزشی ۲ روزه در گرگان برگزار شد.

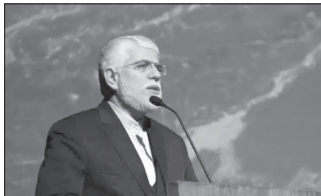
برای زنان، جوامع و سیستم‌های بهداشتی شود. مدرس و مشاور نجات زندگی نیز در حاشیه این کارگاه آموزشی گفت: برآوردها نشان می‌دهد حرمت جنین در جامعه ما کم‌رنگ شده و مردم دیدگاه دقیقی نسبت به این موضوع ندارند. رضا آدریانی با بیان اینکه آمار سقط‌های عمدی جنین در جامعه بالا است، گفت: هدف از برگزاری این کارگاه آموزشی آگاهی‌بخشی و افزایش دانش متخصصان حوزه زنان و زایمان و ویژه کارشناسان مامایی و کارکنان مراکز بهداشتی و درمانی است تا هر یک از این افراد بتوانند از سقط عمدی جنین جلوگیری کنند. وی با بیان اینکه سقط جنین در هیچ یک از مکاتب اخلاقی مورد قبول نیست، گفت: مکاتب دین‌باور مانند اسلام و غیردین‌باور این موضوع را نکوهش می‌کنند و معتقدند هر زمانی که جنین دارای شان انسانی شود سقط آن به معنای کشتن یک انسان است. این متخصص اخلاق پزشکی تاکید کرد: در جامعه ما، مردم به اشتباه فکر می‌کنند سقط جنین تا چهار ماهگی بلامانع است حال آنکه از چهار ماهگی روح جنین کامل می‌شود و این موضوع (وجود روح در جنین) حتی از ۲ ماهگی محتمل است. آدریانی گفت: از منظر آموزه‌های اسلام، سقط جنین از مرحله نطفه گناه کبیره و حرام محسوب می‌شود و بعد از کامل شدن روح، سقط عمدی مساوی با قتل انسان است. یک مدرس دیگر نجات زندگی نیز در حاشیه این کارگاه آموزشی اظهار کرد: حتی اگر در حوزه

نجات یک نسل

با منع سقط عمدی جنین

رییس مرکز بهداشت گلستان با بیان اینکه نجات جان حتی یک جنین به معنای نجات یک نسل است، گفت: اگر اقدامات ما در مراکز بهداشتی و درمانی منجر به جلوگیری از سقط یک جنین هم شود، ارزشمند است. به گزارش ایرنا، موسی‌الرضا شبیهی در کارگاه آموزشی تخصصی ۲ روزه «به حرمت زندگی» در گرگان اظهار کرد: از مهم‌ترین حقوق جنین، حق حیات آن و نیز برخورداری از سلامت جسم است و هرگونه ایجاد جرح و نقص عضو غیراخلاقی و غیرشرعی محسوب می‌شود. وی با تاکید بر اینکه سقط عمدی جنین سلامت مادران را به خطر می‌اندازد، افزود: سقط جنین ناایمن یکی از علل اصلی اما قابل پیشگیری، مرگ و میر و عوارض مادر است. به گفته وی؛ سقط عمدی جنین می‌تواند منجر به عوارض جسمی و روانی و بار اجتماعی و مالی

رشد ۱۰۰ درصدی اعتبارات عمرانی شهرداری‌ها



استاندار گلستان گفت: بودجه مصوب و اعتبارات عمرانی شهرداری‌های این استان طی دولت سیزدهم ۱۰۰ درصد رشد داشته است. به گزارش روابط عمومی، علی محمد زنگانه اظهار کرد: همچنین اعتبارات تملک دارایی استان از ۴۲ هزار میلیارد ریال در ۲ سال پایانی دولت قبل با رشد چهار برابری به ۱۶۳ هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال افزایش پیدا کرده است. وی بیان کرد: در دولت سیزدهم با مشارکت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شاهد اجرای یک میلیون و ۵۰۰ هزار متر مربع زیرسازی و آسفالت روستایی در گلستان بودیم. وی خاطرنشان کرد: همچنین در دولت سیزدهم مبلغ ۶ هزار و ۲۳۰ میلیارد ریال به حساب دهیاری‌های استان واریز شده است. استاندار گلستان گفت: ناوگان حمل و نقل عمومی و بار استان در دولت سیزدهم ۱۳ هزار و ۱۱۰ میلیارد ریال اعتبار گرفت و ۲۱۹ دستگاه خودروی سبک و سنگین برای این بخش خریداری شد. زنگانه بهره‌برداری از پروژه خط دوم راه‌آهن سبز دشت - بندر ترکمن به طول ۱۵ کیلومتر و ترمیم مسیر فرسوده بیش از ۱۰۰ ساله آن با اعتبار ۶ هزار میلیارد ریال را از دیگر خدمات و دستاوردهای دولت سیزدهم برشمرد و اضافه کرد: با سرمایه‌گذاری بیش از ۱۰ هزار میلیارد ریالی بخش خصوصی شاهد پوشش فیبر نوری به منازل و مدارس در تمام شهرستان‌های استان هستیم. وی ادامه داد: در دولت سیزدهم ۲۶۰ کیلومتر از رودخانه‌های استان لایروبی و ساماندهی شد و ۹۶ آب‌بندان غیرمجاز را هم تخریب کردیم. وی افزود: در دولت سیزدهم مجموع ارزش صادرات استان بالغ بر ۵۶۶ میلیون دلار بوده که ۹۶ درصد رشد داشته است. استاندار گلستان یادآور شد: ترانزیت استان که در انتهای دولت قبل به صفر رسیده بود، اکنون به بیش از ۱۶۰ کامیون از مرز گلستان رسیده است. زنگانه گفت: کارگروهی در استان با مشارکت دستگاه‌های نظارتی تشکیل شده و با پیگیری‌های صورت گرفته در این کارگروه، تاکنون هزار و ۳۴۰ میلیارد ریال از منابع بانکی که توسط برخی افراد اخذ و بازگردانده نشده بود به چرخه بانکی بازگشته است. وی بیان کرد: همچنین با تلاش دولت سیزدهم ۱۳۷ بنگاه اقتصادی در استان احیا شد که این اقدام باعث ایجاد یک‌هزار شغل جدید برای جوانان استان شد. وی یادآور شد: دولت سیزدهم در بخش مسکن، ساخت ۴۳ هزار واحد مسکونی را آغاز کرده که بخشی به بهره‌برداری رسیده و بخش دیگری هم در حال تکمیل است.